

گذری بر تاریخ معاصر دانشگاه

تأسیس - آذر ماه ۱۳۴۴

مسعود معین زاده

خرداد ماه ۱۳۸۳

F.Moinzadeh

From: <HOJABRI@aol.com>
To: <MOINZADEH@bayeriran.com>
Sent: Sunday, 07 July, 2002 1:12 AM
Subject: GREETINGS

Dear Farshad:

In Tehran your father gave me a short^r history of the University th^aat he has written for the University news paper last year.

Please ask him if he can edit it and rewrite on computer. I would like to print it and distribute it during the Reunion in Toronto. If he is interested, we can go together through it so that it is a form that is acceptable to the colleagues and associates here.

Regards,
F. Hojabri



Message 47 of 49

From: HOJABRI@aol.com
To: moinzadeh@sharif.edu
Date: Sat, 31 Aug 2002 00:56:18 EDT
Subject: Re: [Persian]

Dear Masoud:

Your history was copied and distributed at the Reunion during the registration in Toronto. One comment that I received was why you *stopped* history at 1979 and did not continue? Especially for people here is interesting to know what happened at the university after the *Revolution*. Probably I will distribute it again by e-mail later.
We missed you and Farshad at the Reunion.

Eradatmand,
Fredun

MailMan Script Copyright © 1997 - 1999 Endymion Corporation
Interface Copyright © 1997 - 1999 Endymion Corporation and Hypnopædia Studios.
Microcompanies With Attitude



به نام خداوند بخشنده مهربان

با اهداء سلام و عرض ارادت حضور رؤسای محترم پیشین دانشگاه، مقامات دیگر، استادان گرامی و دانش‌آموختگان عزیز دانشگاه صنعتی شریف و با عرض تشکر از استاد محترم جناب آقای دکتر فریدون هژبری که افتخار این تماس را به اینجانب مسعود معین‌زاده عضو قدیمی هیئت علمی مرکز گرافیک مهندسی دانشگاه صنعتی شریف که از تاریخ ۱۳۴۵/۵/۱۰ در خدمت دانشگاه می‌باشم داده‌اند، به اطلاع می‌رساند در تاریخ ۷۷/۴/۸ سخنرانی با عنوان "گذری بر تاریخ معاصر دانشگاه" (از شروع تأسیس تا ۵۷/۷/۱) در جمع عده‌ای از اعضاء هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف ایراد نمودم که مختصر شده آن در نشریه شریف شماره خرداد و تیر ۷۷ چاپ گردیده است. اینجانب بسیار علاقه‌مند به تهیه کتابی که در مورد تاریخ دانشگاه باشد می‌باشم و به مسئولین محترم دانشگاه هم بارها پیشنهاد تهیه آن را نموده‌ام ولی تا کنون نتیجه‌ای گرفته نشده است. انشاءاله تهیه شود تا با مطالعه آن بدانند که چطور چنین دانشگاهی تأسیس و در کمتر مدتی به درجه بالایی آموزشی، تحقیقاتی و اشتغال رسیده است. از اینکه عده‌ای از عزیزان به همت دوستان دانشگاه خودتان در خارج از کشور در شهر تورنتو کشور کانادا گرد هم آمده و تجدید مودت و دوستی می‌نمایید خداوند را سپاس گفته و برای همه آن عزیزان که از ما دور می‌باشید آرزوی سعادت، سلامت و خوشبختی دارم.

چنانچه در مورد تهیه کتاب تاریخ دانشگاه نظر، سابقه و یا خاطره‌ای داشته باشند باعث کمال خوشبختی است که با اینجانب تماس حاصل فرمایند.

اینک متن سخنرانی تیر ۷۷ همراه با اصلاحات و تغییراتی که داده شده است را با نوشتن چند بیت شعر از یک غزل حافظ (پیک مشتاقان) که به همین منظور انتخاب شده است شروع می‌کنم:

مرحبا ای پیک مشتاقان بگو پیغام دوست	تا کنم جان از سر رغبت فدای نام دوست
من نوشتم نامه‌ای از شرح حال خود، ولی	دردسر باشد نمودن بیش از این ابرام دوست
میل من سوی وصال و قصد او سوی فراق	ترک کام خود گرفتم تا برآید کام دوست
گر دهد دستم کشم در دیده همچون توتیا	خاک راهی کان مشرف گردد از اقدام دوست
حافظا با درد او می‌سوز و بی‌درمان بساز	زان که درمانی ندارد درد بی‌آرام دوست

قبل از تاسیس این دانشگاه سه دانشکده مهندسی در تهران مشغول به کار بودند.

۱- دانشکده فنی وابسته به دانشگاه تهران تاسیس ۱۳۱۳ هجری شمسی نوع تحصیلات : علمی و فنی

(یادگیری مطالب علمی بیشتر از مطالب فنی مطرح بود).

۲- هنرسرای عالی تهران تاسیس ۱۳۳۶ ه. ش. (دانشگاه علم و صنعت کنونی) " فنی و علمی

۳- دانشکده پلی تکنیک تاسیس ۱۳۳۷ ه. ش. (دانشگاه صنعتی امیرکبیر) " علمی و فنی هم تراز

البته هنرسرای عالی دوره اول از ۱۳۰۸ در محل مدرسه ایران و آلمان در خیابان سی تیر کنونی (قوام السلطنه سابق) شروع به فعالیت آموزشی کرده سپس به محل کنونی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و متعاقب آن در سال ۱۳۴۲ به نارمک منتقل می شود.

در سال ۱۳۴۴ با فکر تاسیس دانشگاهی که بتواند در سطح بالایی احتیاجات مملکت را از نظر علمی و صنعتی تامین نماید دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف کنونی) تاسیس می شود. با تعبیری دیگر هدف از تاسیس این مؤسسه به شرحی که در سندهای دانشگاه چاپ شده است ایجاد دانشگاهی بوده که قادر باشد از یک طرف متخصصینی با وسعت نظر علمی و مهارت فنی تربیت نماید و از طرف دیگر با انجام تحقیقات علمی و فنی، خود را در تراز مؤسسات مشابه کشورهای پیشرفته نگه دارد. برای این منظور علاوه بر افراد شایسته ای که در ایران بوده اند از برجسته ترین دانشجویان ایرانی خارج از کشور که از دانشگاههای معتبر با درجات ممتاز فارغ التحصیل شده بودند استفاده می شود (واقعاً هم بجز خانمی به نام فرانسون که ایشان نیز در ایران زندگی می کرد و همسر ایرانی داشت حتی یک نفر هم خارجی در دانشگاه استخدام نشد). استفاده از نیرو و فکر جوان و تنفیع آن با تجربه علمی و عملی اشخاص کارکنان نه تنها باعث پایه گذاری یک چنین دانشگاه معتبری گردید بلکه موجب پیدایش یک انقلاب آموزشی در سطح کشور گردید و سیستمهای آموزشی و اداری سستی را تا حدود زیادی تغییر داد. شخص شاه تولیت عظمای دانشگاه را به عهده گرفته و طی ابلاغی این طور نوشت " برای نیابت تولیت عظمای این دانشگاه کسی را انتخاب کردیم که تمام عمر خود را نه فقط در محیط آموزشی گذرانده بلکه امتحان استعداد خود را در اداره و فراهم کردن محیط تحصیلی و اخلاقی داده است که منظور مرحوم جناب آقای دکتر محمد علی مجتهدی استاد با سابقه دانشکده فنی در رشته ریاضیات تحصیل کرده کشور فرانسه " و رئیس سابق دانشکده پلی تکنیک ، دانشگاه پهنوی (شیراز کنونی) و دبیرستان البرز بود (تاریخ ابلاغ ۱۳۴۴/۹/۱). در محل کنونی دانشگاه که فقط یک ساختمان جنوبی آن (هدایی وزارت آموزش و پرورش) وجود داشت فعالیتها شروع و در مدت کمی (حدود ۱۰ ماه) برای حضور دانشجویان آماده می گردد. چند نفر از اشخاصی که در این فعالیتها همراه ایشان بودند آقایان دکتر هوشنگ متصری معاون دانشگاه ، مهندس تیمور لکستانی مدیر امور عمومی ، دکتر محمد حسین ادیب (خزانه دار) ، مهندسی کمالی (مسئول امور تاسیسات و ساختمان) ، مهندس حسین امانت (طراح نقشه های ساختمانی دانشگاه) و مهندس ابوالحسن ابوذر (مسئول امور مالی) بودند .

روز شنبه ۴۵/۷/۲ چهارصد و دوازده نفر دانشجویان دانشگاه که از طریق کنکور اختصاصی که با حضور ۵۳۲۱ نفر انجام شده بود وارد دانشگاه شدند (۱۳ نفر از این دانشجویان دختر بودند)

در ابتدا فعالیت آموزشی دانشگاه با ۵ گروه آموزشی به شرح زیر شروع گردید:

۱- گروه آموزشی ریاضی با ۸ نفر (۲ نفر با درجه دکترا، ۵ نفر فوق لیسانس، ۱ نفر لیسانس) سرپرست آقای دکتر مجتهدی

۲- گروه آموزشی فیزیک با ۲۲ نفر (۶ نفر با درجه دکترا و ۱۶ نفر فوق لیسانس) سرپرست آقای دکتر فیروز پرتوی

۳- گروه آموزشی شیمی با ۱۱ نفر (۲ نفر با درجه دکترا و ۹ نفر فوق لیسانس) سرپرست آقای دکتر سیاوش مهنا

۴- گروه آموزشی رسم فنی با ۶ نفر (همگی فوق لیسانس، ۴ نفر رسمی، ۲ نفر قراردادی) سرپرست آقای مهندس حشمت اله نیایش

۵- گروه آموزشی کارگاهها ۹ نفر (۸ نفر فوق لیسانس، ۱ نفر لیسانس) سرپرست آقای مهندس محمد پیروزی (مرحوم)

جمعاً ۵۶ نفر کادر آموزشی از کشورهای آمریکا (۱۱ نفر)، آلمان (۲۱ نفر)، فرانسه (۵ نفر)، اتریش و سوئیس (۲ نفر) و بقیه از دانشکده های مهندسی ایران بودند. (از این ۵۶ نفر فقط ۷ نفر در حال حاضر در دانشگاه شاغل می باشند).

سایر مسئولین آن زمان دانشگاه آقای دکتر حسینعلی انواری (مرحوم) مدیر امور آموزش، آقایان علی اکبر مهدویان، محمد هاشمی (معاون اجرایی دوره اول ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی)، ابوالقاسم میراحمدیان (مرحوم) و احسان طارض پیمادر اداره آموزش، آقای مهندس علی مقدسیان سرپرست تربیت بدنی، آقای دکتر جعفر نیاکی رئیس دبیرخانه و خانم پوران دخت حسین زاده مسئول کتابخانه مرکزی بودند.

برنامه آموزشی ۳ ترم و هر هفته یکی از دروس ریاضی، فیزیک و شیمی را دانشجویان امتحان می دادند.

در تاریخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۴۵ روز افتتاح رسمی دانشگاه با ورود شاه و فرح و مقامات مملکتی آن زمان اولین نشریه دانشگاه حاوی اسانامه و اسامی کادر آموزشی و عکس آنها چاپ شده و به همگان داده شد. در آن روز شاه پس از بازدید از قسمت های مختلف، ناهار را با دانشجویان خورده، ضمن سخنرانی هدف از تاسیس دانشگاه را تشریح و از دکتر مجتهدی تعریفها نمود. ساختمان آن زمان دانشگاه شامل ساختمان جنوبی دانشگاه با تالار اجتماعات جلوی آن، ساختمان کوچک نیابت تولیت، ساختمان دانشکده فیزیک (در حال حاضر تغییر مکان داده شده است) سالن ناهارخوری دانشجویان و یک ساختمان کوچک ناهارخوری برای کارکنان یکی از سالنهای فعلی کارگاه، ساختمان کوچک بهداری و انبار. البته ساختمان دبیرخانه دانشگاه هم واقع در خیابان امیرآباد شمالی (کارگر شمالی کنونی) نزدیک به میدان انقلاب را باید به این مجموعه اضافه نمود.

چند ماده از اساسنامه دانشگاه چنین بود :

دانشگاه برای مدتی نامعلوم در تهران تاسیس می شود و می تواند با پیشنهاد نیابت و تصویب هیئت امناء در شهرهای دیگر شعبه تاسیس نماید.

دانشگاه مؤسسه فرهنگی غیر انتفاعی و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی می باشد.

دانشگاه به وسیله هیئت امناء (۳۰ نفر از مقامات بالای مملکتی آن زمان) که برای مدت ۵ سال با فرمان شاه منصوب می شوند اداره خواهد شد.

اساسنامه شامل ۲۵ ماده و ۱۰ تبصره مصوب ۴۴/۱۰/۱۸ شورای مرکزی دانشگاهها و از مواد مهم آن تشکیل شورای دانشگاه بود.

همانطور که اشاره شد تولیت عظمای دانشگاه را شخص اول مملکت در آن زمان داشت و این موضوع توقعات زیادی را بوجود آورده بود. شاه در روز افتتاح دانشگاه از دانشجویی سؤال می کند انگیزه شما از انتخاب این دانشگاه برای ادامه تحصیل چه بوده است ؟ و آن دانشجو جواب می دهد من اطمینان دارم که در این مکان خواهم توانست آرزوهای فردی و اجتماعی خود را پیدا کنم و این موضوع یک احساس عمومی بوده و اعضای هیئت علمی و کارکنان دانشگاه نیز آینده خود را از لحاظ معنوی و مادی در سطح بالایی تامین شده می دانستند. حقوق اعضای هیئت محظمی از ۲۵ هزار تا ۳۰ هزار ریال برای فوق لیسانس و ۵۰ هزار ریال برای دارندگان درجه دکتری تعیین شده بود (مقایسه شود با میزان حقوق سایر کارمندان موسسات دیگر آن زمان) دانشگاه دارای استقلال مالی بوده و در نشریه اولین سالگرد تاسیس دانشگاه مقدار کمکیهای اهدایی به دانشگاه با ذکر اسامی و اشخاص اهداء کننده از یک میلیون ریال تا کمتر از صد ریال نوشته شده بود. نظر به اهمیت ساختاری اولیه دانشگاه لازم است بعضی اوصاف و کارهای مرحوم دکتر مجتهدی بیشتر توضیح داده شود:

فوق العاده جدی در رعایت مقررات مخصوصاً ورود و خروج کارکنان که احداث دفتر ریاست در نزدیکی محل ورودی دانشگاه مؤید این موضوع است. تاکید در تدریس استادان با مطالعه بسیار زیاد و بدون اشتباه حضور و غیاب جدی حتی برای اعضاء هیئت امناء.

ایشان یکبار قبل از شروع کار دانشگاه و یکبار هم در ابتدای سال ۱۳۴۶ از کشورهای خارجی دیدن کرده و از فارغ التحصیلان ایرانی مقیم آن کشورها برای استخدام در دانشگاه صنعتی شریف دعوت کردند.

متأسفانه زمزمه انتقال دانشگاه به اصفهان در همان زمان تاسیس البته نه به صورت رسمی، لطمه بسیار بزرگی از لحاظ توسعه، تامین مسکن کارکنان و سایر موارد مشابه که هنوز هم ترمیم نشده و آثار آن از لحاظ فضای نامناسب قسمت های مختلف دانشگاه محسوس است وارد کرد.

پس از چند ماه از شروع کار دانشگاه و تعطیلات ۱۰ روزه بین ثلث اول و دوم در تاریخ ۴۵/۱۰/۲۸ با مطرح شدن شکایت دانشجویان از ریاست دانشگاه و موضوع بعضی کاستیهای آموزشی و قهر آقای مهندس نیایش به علت اختلاف نظر با نیابت تولیت در دروغ گوی و آماج رسه قلم (از لحاظ تعداد اعضای آموزشگاه گویا) و

احترامی که دانشجویان برای آقای مهندس نیایش قائل بودند، اولین اعتصاب دانشجویان در تاریخ ۴۵/۱۱/۱ به همین مناسبت ها شروع می شود. متأسفانه اختلاف بین آقای دکتر مجتهدی و معاون ایشان آقای دکتر متصری هم بالا می گیرد و در تابستان ۴۶ دکتر متصری به ریاست دانشگاه تبریز منصوب می شود. در تابستان ۴۶ به کمک آقای مهندس پیروزی، آقای مهندس نیایش با حفظ سمت و همچنین مشاور نیابت تولیت به دانشگاه برمی گردد. در دومین سال تحصیل حذف اسامی هیئت علمی تحصیل کرده در ایران در دومین نشریه دانشگاه و متعاقب آن نوشته نشدن اسامی هیئت علمی تحصیل کرده فوق لیسانس (که عده زیادی هم بودند) روی جزوه های متشتره باعث اعتراض این گروه و شکایت آنها به هیئت امنا می گردد. بهمین دلایل و همین طور اداره دانشگاه با روش سستی دبیرستان البرز و شاید موارد دیگر، بالاخره در تاریخ ۴۶/۱۱/۲۱ جناب آقای پروفیسور رضا استاد دانشگاه سیراکیوس امریکا به نیابت تولیت عظمای دانشگاه صنعتی و دکتر مجتهدی به ریاست دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) منصوب می گردند. (در ماهنامه خبری تحلیلی آموزشی لوح شماره های ۱۱ و ۱۲ شهریور ۸۰ از قول اینجانب و سایر همکاران در مورد دانشگاه صنعتی و آقای دکتر مجتهدی مطالبی نوشته شده است). در کتاب خاطرات مرحوم دکتر مجتهدی نوشته آقای دکتر حبیب لاجوردی مشخص است که آقای دکتر مجتهدی این تغییر را خیلی ناگهانی و دور از انتظار دانسته و از شاه که او را در زمانی کمی پیش تر به آسمان برده بود انتظار این عمل را نداشته و گله مند است و حتی تعویض خود را تاحدودی سیاسی قلمداد می نماید.

کنکور سال دوم دانشگاه در سال ۱۳۴۶ با حضور ۵۶۵۵ نفر برگزار و آقایان دکتر حسام الدین ارفعی استاد کنونی دانشکده فیزیک و دکتر حسین جلالی کوشکی با معدل ۲۰ شاگردان اول این کنکور می شوند. تحقیقات مهمی در دانشگاه از همان ابتدا انجام می گیرد که در زمینه های مختلف موقعیت های قابل توجهی نیز کسب می شود.

برخی از فعالیتهای دیگر مرحوم دکتر مجتهدی شامل احداث ساختمان های مجتهدی (ابن سینا کنونی) و تالارها در کمترین مدت ممکن و اضافه کردن تعداد نفقات هیئت علمی دانشگاه می باشد. به هر حال انجام بعضی سخت گیریهای لازم از سوی ایشان بنیان محکمی برجای گذاشت که مورد تقدیر می باشد. شایان ذکر است که در برنامه "گفتگو" که در تابستان ۱۳۷۰ از رادیو ایران پخش شد ایشان کارنامه آموزشی خود را ارائه نموده و در مورد دانشگاه صنعتی شریف به طور مفصل صحبت کردند. آقای دکتر مجتهدی از ۱۳۲۳ تا ۱۳۵۷ هیچگاه ریاست دبیرستان البرز را رها نکرده و عشق زیادی به این مدرسه و شاگردان آن داشتند (ضمن آنکه استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران هم بودند). اخیراً ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه صنعتی به پاس قدرشناسی از زحمات ایشان به نام "مرحوم دکتر محمد علی مجتهدی" گردیده است.

تا زمان مرحوم دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه تهران (سال ۱۳۳۴) و پس از آن هم تا حدودی تا سال ۱۳۴۷ به دلیل استقلال در انتخاب کردن رئیس دانشگاه به وسیله شورای دانشکده ها، ریاست دانشگاه مقام بسیار مهمی بود اما با تاسیس وزارت علوم در سال ۱۳۴۶ استقلال دانشگاه ها تا حدود زیادی کم رنگ گردید. رؤسای

دانشگاه‌ها زیر نظر وزارت علوم قرار گرفته و در اواخر مرداد ۱۳۴۷ تغییرات زیادی ایجاد می‌شود از جمله اینکه پروفیسور رضا که چند ماه بیشتر ریاست دانشگاه صنعتی را به عهده نداشت به ریاست دانشگاه تهران و جناب آقای دکتر محمدرضا امین رئیس بانک توسعه صنعت و معدن و دانشیار سابق دانشکده فنی دانشگاه تهران از تاریخ ۴۷/۵/۲۹ نیابت تولیت عظمای دانشگاه صنعتی را عهده‌دار می‌شود. (انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها به وسیله هیئت امناء به جای شورای دانشگاه انجام می‌گیرد).

پروفیسور رضا بسیار ساده و تنها وارد دانشگاه و اتاق ریاست گردید. عنوان و نام ایشان پس از دکتر مجتهدی برای عده‌ای از ما بسیار بزرگ بود و شاید به همین دلیل هم ایشان انتخاب شده بود. ضیافتی هم در وزارت دربار آموغ برای معرفی ایشان و تودیع با دکتر مجتهدی با حضور مقامات آن روز کشور و عده‌ای از دانشگاهیان برپا گردید. مختصری از مقاله اینجانب با عنوان "سیاست و عرفان یک دانشمند" در کتاب "آثار علمی و ادبی فضل اله رضا" چاپ دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۷۸ به شرح زیر می‌باشد:

اظهارات ایشان در مورد یادگیری و آموزش بیشتر و سریع کامپیوتر در دانشگاه و مملکت و تاکید بر این موضوع که "امروز هم که شروع کنید دیر است"، حذف بعضی نابرابریها در حقوق ۱۲ نفر از اعضاء هیئت علمی که زیاد مورد توجه رئیس قبلی نبودند، نصیحت ایشان به اعضاء هیئت علمی به این شرح "با عشق دانشگاه زندگی کنید، راه بروید و حتی در موقع خواب هم به فکر دانشگاه باشید و بی امور مادی هم نباشید".

جهت دادن دانشگاه به سوی سیستم آموزشی واحدی و جدید به جای روش سنتی سالیانه و تغییر در جمع ساعات کلاس دانشجویان در روز (مدت زمان کلاسها خیلی زیاد بود و کمتر گردید). ضمناً آقای پروفیسور رضا به ورزش تنیس خیلی علاقه مند بود و اکثر صبحها با یکی از همکاران با لباس مخصوص تنیس در محوطه دانشگاه بازی می‌کرد که برای ما خیلی جالب بود ضمناً ایشان اعتقادی به دخالت ریاست دانشگاه در امور اجرایی غیر آموزشی نداشتند. آقای پروفیسور مدتی در حدود ۶ ماه ریاست دانشگاه صنعتی را به عهده داشته و همانطور که اشاره شد به ریاست دانشگاه تهران به انتخاب هیئت امناء آن دانشگاه منصوب شدند.

شاید مناسب‌تر بود پروفیسور رضا دانشگاه صنعتی را اداره می‌کردند و ریاست دانشگاه تهران، سپس نمایندگی ایران در سازمان یونسکو و بلاخره سفارت ایران در کانادا را نمی‌پذیرفتند. در ملاقاتی که با ایشان در آذرماه ۱۳۷۹ با عده‌ای دیگر از دانشگاهیان داشتم این مطلب را با ایشان عنوان نمودم و به طور ضمنی آقای پروفیسور رضا از دستگاه آن زمان گله مند و با بیانی اظهار داشتند "اوضاعی که پیش آمده بود از نظر آنها مثل یک بازی بود". به هر حال جناب پروفیسور رضا به هر علت که آمده و رفته باشند قابل احترام هستند. شاید کمتر بتوان اشخاصی مانند ایشان را که با داشتن وسعت علمی زیاد، عارف و ادیب هم باشند پیدا نمود.

در مورد جناب آقای دکتر امین:

نمی‌توان از حق گذشت که در زمان ایشان دانشگاه نظم و انضباط آموزشی و اداری مشخصی پیدا کرد. مراتب علمی، مدارج دانشگاهی، مقررات در مورد ترفیعات، استفاده از فرصتهای مطالعاتی برای کسانی که دارای درجه

دکتر بودند و ادامه تحصیل برای دستیاران و مربیان که بلافاصله و پس از آن عده زیادی (از جمله خود اینجانب) از این مصوبه استفاده کردند. تبدیل کارمندان پیمانی به رسمی، ایجاد صندوق پس انداز کارکنان، پرداخت وام مسکن، کمکهای بهداشتی، و سایر امور دارای قوانین مربوط به خود گردیده و کمیته هایی هم برای انجام این امور تشکیل گردید.

در سال ۴۸-۴۷ دانشکده مهندسی علوم تبدیل به سه دانشکده، ریاضی، شیمی، فیزیک گردید و همچنین در سال ۴۹-۴۸ دانشکده مهندسی صنایع و در سال ۵۱ دانشکده مهندسی سازه (عمران کنونی) فعالیت آموزشی خود را آغاز می کنند.

اقدامات فوق مدیریت بسیار خوب آقای دکتر امین را نشان می دهد و جای تشکر زیاد دارد. ولی در همان زمان اعلام شد دانشگاه به اصفهان منتقل میشود و در تاریخ ۴۸/۲/۳۰ این موضوع در آیین نامه ای شامل ۵۲ ماده و ۳۰ تبصره که مربوط به کل مقررات دانشگاه بود تصویب می گردد.

۴۹/۸/۱۱ شاه در جشن اولین دوره فارغ التحصیلی دانشجویان شرکت کرده در این مراسم ۲۶۳ نفر از ۴۱۲ نفر دوره اول در مقطع لیسانس فارغ التحصیل شده بودند آقایان دکتر حصارکی، دکتر سلطانی، دکتر کوکی و دکتر مشایخی از استادان کنونی دانشگاه صنعتی از فارغ التحصیلان همین دوره می باشند.

تعداد اعضاء هیئت علمی در این تاریخ ۱۹۵ نفر (۷۵ نفر دانشیار و استادیار)، ۴۹ نفر مربی و ۷۱ نفر دستیار و عده ای دانشجویان ۱۷۶۳ نفر اعلام گردید. دانشکده های مهندسی مکانیک، برق، صنایع، ریاضی، شیمی، متالورژی و دانشکده های مهندسی علوم و همچنین مراکز محاسبات، زبانهای خارجی، گرافیک مهندسی (رسم فنی سابق)، کارگاهها و آب و انرژی در این زمان مشغول به کار بودند.

۴۹/۹/۲۸ - اعتصاب دانشجویان دانشگاه صنعتی به پیروی از دانشجویان دانشگاه تهران شروع و در تاریخ ۴۹/۹/۳۰ دانشگاه مدتی برای دانشجویان تعطیل اعلام می شود.

۵۰/۲/۱۲ - در پی تظاهرات دانشجویان، پلیس (به فرماندهی سرهنگ طاهری) به آنها و حتی بعضی از اعضای هیئت علمی (آقایان دکتر گریگوریان و مهندس ابطی) حمله می کند و تعدادی از دانشجویان دستگیر و به وسیله دو دستگاه اتوبوس به زندان برده میشوند.

۵۰/۲/۱۳ - اعضای هیئت علمی به خاطر اعتراض به موضوع فوق استعفا داده و خواهان غدر خواهی رسمی دولت و تنبیه مسببین واقعه میشوند.

بعد از ارسال نامه، اظهار تأسف دولت از سوی نخست وزیر و تشکیل دو جلسه عمومی در تاریخهای ۱۴ و ۲۸ اردیبهشت ۵۰ با حضور آقای دکتر امین برای بررسی نامه نخست وزیر بالاخره استعفای همگانی با چند شرط پس گرفته شده و کلاس ها تشکیل می شود. ولی عده ای از دانشجویان ترم و بعضی هم چند درس را حذف می کنند. آقایان محمدعلی نجفی، غلامرضا شافعی و اکبر ترکان (از وزرای وقت دولتهای بعد از

انقلاب) از دانشجویان این ترم هستند. در حقیقت قطع ارتباط شاه با این دانشگاه اگر نه به طور رسمی ولی به شکل عاطفی از همین زمان شروع و مدتی بعد از این جریانات سرهنگ طاهری (بعد از این جریانات ارتقاء درجه گرفته و سرتیب شده بود) ترور می شود.

در سال ۱۳۵۰ کمیته رفاه از طرف کادر آموزشی برای بررسی و به تحقق رسانیدن رفاه کارکنان دانشگاه تشکیل گردید.

۵۱/۹/۱ - جناب آقای دکتر سید حسین نصر استاد فلسفه و رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به جای آقای دکتر امین نیابت تولیت عظمای دانشگاه را عهده دار می گردد.

۵۱/۹/۱۶ - دانشجویان اعتصاب می کنند (مراسم ۱۶ آذر) و کلاس ها به مدت چند روز تشکیل نمی شود.
۵۲/۲/۱۲ - وام مسکن به میزان ۳۰ برابر حقوق برای خرید منزل کارکنان دانشگاه تصویب و زمین های فعلی شهرک دانشگاه صنعتی شریف از قرار هر متر ۲۸۰ ریال خریداری و تعاونی مسکن دانشگاه برای این منظور تشکیل می شود. (در ابتدا در مورد تامین مسکن کارکنان دانشگاه توقعات بالاتری داشتند ایجاد شهرک در حد لیاقت این دانشگاه کجا ! و وام ۳۰ برابر حقوق برای خرید آپارتمانی کوچک کجا ! .

۵۲/۲/۱۳ - حقوق کارکنان بر مبنای قانون تورم اضافه می شود.

۵۲/۹/۳ - نامرتب بودن تشکیل کلاسها از این تاریخ به بعد منجر به حذف ترم اکثر دانشجویان دانشگاه می شود.

۵۳/۱۰/۱۸ - به علت بی احترامی به کادر آموزشی (به وسيله مقاماتی خارج از دانشگاه) بنا به دستور شورای دانشگاه استادان در کلاس درس حاضر نمی شوند.

- اسفند ماه ۵۳ به کادر آموزشی برای اولین بار عیدی پرداخت می شود.

۵۴/۲/۲۲ - در پی جلسات متعدد عمومی کادر آموزشی ، آقای دکتر نصر اعلام می کند که حقوق ها به میزان ۲۵ درصد اضافه خواهد شد. البته اقدامات کادر آموزشی و کمیته رفاه از قبیل انجام ندادن کارهای غیرآموزشی در این تصمیم مؤثر واقع می شود (آقایان دکتر فریدون هژبری و دکتر موسی خالصی زاده از جمله فعالین کمیته رفاه در این دوره بودند ، بعداً آقایان دکتر رسول حجی و مرحوم دکتر فخرالدین گلستانه و اشخاص دیگری هم در این کمیته فعالیتهای مؤثری داشتند) .

۵۴/۳/۱۰ - به منظور اعتراض به موقعیت مکانی شهرک دانشگاه و به دلیل عدم اجازه شهرک سازی از طرف شهرداری، تصمیم به ماندن در داخل دانشگاه در شب گرفته می شود که اصرار آقای دکتر نصر برای انصراف از این عمل مورد قبول واقع می گردد.

- بالاخره بعد از دو شب ماندن در دانشگاه (تیرماه ۵۴) ، آقای دکتر نصر اطلاع می دهد که اجازه ساختن شهرک تصویب شده است.

- یکی از اقدامات دکتر نصر تاسیس مرکز تعلیمات عمومی با هدف ارائه دروس علوم انسانی و آشنا کردن دانشجویان زشته های فنی و مهندسی با مباحث دینی، اجتماعی، هنری و فرهنگی بود. این مرکز در حال حاضر به نام مرکز معارف اسلامی مشغول به کار می باشد.

(از زمان مرحوم دکتر مجتهدی دفتر حضور و غیاب اعضای هیئت علمی در اتاق جلو در ورودی دانشگاه وجود داشت که با کوشش آقای دکتر هژبری برداشته شد و در دفاتری که در دانشکده ها و مراکز گذاشته شده بود اعضای هیئت علمی حضور خود را اعلام می کردند. در زمان آقای دکتر نصر این دفاتر هم به علت معلوم بودن وظایف هیئت علمی برچیده شد و از این نظر از آقای دکتر نصر به نیکی یاد می شد.)

- یکی از مسایل زمان ایشان استفاده از صندوق پس انداز کارکنان به صورت وام بود که بعضی زودتر استفاده کرده بودند، پس از بحثهای زیاد بالاخره "حسن استفاده" تلقی گردیده و موضوع خاتمه یافته اعلام گردید.

(متأسفانه آقای دکتر نصر پس از ترک دانشگاه مسئولیت هایی پذیرفت که در شأن مقام علمی ایشان نبود مانند ریاست دفتر فرح).

۵۴/۴/۲۶ - جناب آقای دکتر مهدی شقاقی ضرغامی استاد ریاضی دانشگاه صنعتی به نیابت تولیت دانشگاه منصوب و بر خلاف تصور عمومی در مورد بهبود وضعیت دانشگاه، متأسفانه پس از مدتی بین ایشان و اعضای هیئت علمی مخصوصاً در مورد انتقال دانشگاه به اصفهان، اختلاف زیادی ایجاد می شود که در نهایت منجر به اخراج ۱۳ نفر از اعضای هیئت علمی گردید. خاطره خوبی که از آقای دکتر ضرغامی به یاد دارم در مورد ۱۲ نفر از اشخاصی است که در ابتدای ریاست ایشان وام مسکن آنها که از قبل تصویب و دچار اشکال شده بود با نزدیکی صمیمانه کمیته رفاه "که منتخب همه اعضای هیئت علمی بودند" با ایشان به خوبی حل گردید. کاش این صمیمیت باقی می ماند و در گرداب تصمیم گیریهای مدیریتی که مهمترین آن همانطور که اشاره شد موضوع انتقال دانشگاه به اصفهان بود از بین نمی رفت.

۵۵/۱/۱۵ - جلسه کمیته رفاه و متعاقب آن کادر آموزشی تشکیل و چون خواسته های مورد نظر انجام نمی شود، در تاریخ ۵۵/۱/۳۰ کادر آموزشی به کلاس ها نمی روند.

۵۵/۱۰/۷ - در تظاهرات شدید دانشجویان خسارات زیادی به دانشگاه وارد شد. فرمانده گارد دانشگاه سرگرد نوروزی بود. اعتصاب دانشجویان اکثراً با زد و خورد و تعقیب ساختمان به ساختمان و بام به بام توسط مأمورین گارد مواجه می شد. سرگرد نوروزی هم پس از مدتی توسط افراد ناشناس ترور گردید.

۵۵/۱۲/۱ - آقای دکتر پرویز آموزگار معاون وزیر علوم و رئیس سازمان سنجش به دانشگاه آمد و در جلسه کادر آموزشی تهدیداتی کرد. پس از این جلسه تصمیم گرفته شد که اگر وعده های رفاهی انجام نشود در تاریخ ۵۵/۱۲/۱۵ اعتصاب شود که بعد هم اعتصاب می شود.

- ۵۵/۱۲/۱ - در دفترچه راهنمای کنکور تصمیم گیری در مورد انتخاب دانشجو برای دانشگاه صنعتی در تهران به بعد موکول می شود.
- ۵۶/۱/۱۴ - مسئله عدم پذیرش دانشجو در تهران واقعاً جدی شده و به علت مبارزاتی که علیه دستگاه حاکمه از طرف دانشجویان و اعضاء هیئت علمی که به خاطر به تحقق رسانیدن خواسته هایشان انجام می شد، جریان انتقال دانشگاه از نظر آنان یک حرکت سیاسی و حتی تنبیهی از طرف دولت تلقی گردیده و نمی بایست این انتقال انجام می گردید.
- ۵۶/۲/۳ - اعضای هیئت علمی برای اعتراض به کتک خوردن یکی از استادان دانشگاه تهران، یک شب در داخل دانشگاه می ماندند.
- ۵۶/۵/۱۶ - سقوط دولت امیرعباس هویدا پس از ۱۳ سال و شروع نخست وزیری دکتر جمشید آموزگار (بلافاصله هویدا وزیر دربار شد).
- در شهریور ماه ۵۶ نیابت تولیت دانشگاه به جناب آقای پروفسور علیرضا مهران که از اعضاء یک خانواده فرهنگی بود سپرده می شود.
- از مهر ۵۶ فعالیت های آموزشی در دانشگاه صنعتی اصفهان شروع شده و دانشگاه صنعتی شریف در تهران دانشجوی جدید نمی پذیرد. همچنین پروفسور مهران سیزده نفر از اعضای هیئت علمی را که اخراج شده بودند به دانشگاه برگردانید.
- بهمن ماه ۵۶ پس از جلسات زیاد در مورد ابقاء دانشگاه صنعتی در تهران، برای نخست وزیر نامه ای تهیه و ارسال می شود.
- وقایع سالهای ۵۶-۵۷ بسیار جالب است. به طور مثال نشستن دانشجویان (به صورت ساکت و بی حرکت در تالارهای ساختمان مجتهدی و برگزاری مراسم شب شعر ۵۰۰۰ نفری در دانشگاه و تظاهرات در خیابان آزادی تا خیابان امیر آباد شمالی (کارگر شمالی فعلی).
- ۵۷/۱/۳۰ - دانشجویان یک نگهبان را که به دستور حبیبی (مدیر امور اداری دانشگاه) اعلامیه های آنها را جمع کرده بود با زنجیر از طبقه سوم ساختمان مجتهدی آویزان می کنند که در دانشگاه صنعتی و نقاط دیگر سرو صدای زیادی می کند.
- ۵۷/۲/۱۰ - در جلسه عمومی هیئت علمی دانشگاه، قطعنامه ابقاء دانشگاه صنعتی در تهران تصویب و قرار می شود در صورت عدم قبول آن، از تاریخ ۵۷/۲/۱۷ کادر آموزشی در کلاس ها حاضر نشوند.
- ۵۷/۲/۱۸ - روزنامه ها در مورد اعتصاب دانشگاه صنعتی شریف مطالبی چاپ می کنند و حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف بعد از چند روز اعتصاب قطع می شود و از طرف اعضاء هیئت علمی تشکیل کمیته های مربوط به اعتصاب مانند کمیته تهیه بولتن های خبری، کمیته مالی و کمیته حقوقی اعلام می شود. ضمناً قرار می گردد که در تمام مدت اعتصاب، دو هفته یک بار جلسه ای با حضور اعضاء هیئت

علمی دانشگاه در یکی از دانشکده‌ها و یا مراکز برای بررسی اخبار ، حمایتها و پیشرفتهای مربوط به اعتصاب تشکیل گردد.

۵۷/۳/۲۸ - مجلس شورای ملی از استادان برای شرکت در کمیته عالی مجلس دعوت می کند و در آنجا آقای بنی احمد نماینده مجلس به مسئله عدم پرداخت حقوق اعضای هیئت علمی اعتراض می کند. مدتی پس از این اعتصاب ، سیل حمایت دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی دیگر ، روزنامه ها ، صاحبان قلم ، بازاریان و به طور کلی مردم به طرف دانشگاه صنعتی سرازیر و یکباره این دانشگاه به عنوان یک مرکز مبارزه برای حق خواهی معرفی گردیده و از طرف حمایت کنندگان یک صندوق مالی برای پرداخت حقوق به اعضای هیئت علمی به صورت وام برقرار می گردد (یکی دو ماهی هم از این صندوق حقوق دریافت و بعد پس داده شد).

۵۷/۴/۱۲ - یک دانشجو در جلوی دانشگاه اقدام به خود سوزی می کند.

۵۷/۴/۱۹ - جلسه سمینار بررسی مشکلات دانشگاهی تشکیل می شود.

۵۷/۴/۲۵ - پس از ملاقات عده ای با نخست وزیر و تاکید او برای پذیرش دوره های دکترا و فوق لیسانس در تهران ، طی جلسه ای در دانشکده فیزیک قرار می شود بر خلاف تصمیم نخست وزیر ۷۰۰ دانشجو برای دوره لیسانس از طریق انتشار آگهی در جراید پذیرش شوند.

۵۷/۵/۳ - گردهمایی در سالن اجتماعات دانشکده شیمی با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از دانشگاه های مختلف برگزار و با انتخاب هیئت اجرایی برنامه های حمایت از خواسته های دانشگاه صنعتی (مخصوصاً پذیرش دانشجو) ، خروج گارد و استقلال دانشگاه ها تصویب می شود.

۵۷/۵/۳ - آگهی پذیرش دانشجو از طرف شورای دانشگاه صنعتی در روزنامه اطلاعات چاپ می شود.

۵۷/۵/۴ - دولت اعلامیه ای صادر می کند مبنی بر این که دوره لیسانس دانشگاه صنعتی به طور قطع به اصفهان منتقل می شود.

۵۷/۵/۲۷ - در جلسه مطبوعاتی شاه در جواب آقای عنایت برای تعیین تکلیف دانشگاه صنعتی ، اظهار داشت که هیئت امناء تکلیف دانشگاه را روشن خواهد کرد.

۵۷/۶/۵ - بدنبال تظاهرات ضد رژیم که از چند ماه قبل شروع و مخصوصاً در ماه مبارک رمضان در شهرهای کشور اوج گرفته بود ، دولت آقای دکتر آموزگار تغییر کرد و مهندس جعفر شریف امامی رئیس مجلس سنا به نخست وزیری منصوب گردید و دولت خود را دولت آشتی ملی اعلام کرد. در اولین اعلامیه خود دستور به برگرداندن تاریخ شاهنشاهی به هجری شمسی (که در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی به ۲۵۳۵ شاهنشاهی تغییر داده شده بود) را صادر نمود . وقایع چند ماه گذشته و همانطور آینده نشان داد که کار از صدور این نوع اعلامیه ها گذشته و اوضاع مملکت به طرف دگرگونی و انقلاب پیش می رود.

۵۷/۶/۹ - در روزنامه کیهان اعلام می شود که موضوع دانشگاه صنعتی آریا مهر در جلسات دولت مطرح است و ۷۰۰ دانشجو برای تهران در این دانشگاه پذیرفته خواهد شد.

۵۷/۶/۱۵ - رسماً اعلام می شود که دانشگاه صنعتی آریا مهر در تهران باقی می ماند و رئیس دانشگاه توسط شورای دانشگاه انتخاب خواهد شد. تاریخ خاتمه نیابت تولیت پروفیسور مهران ۵۷/۶/۱۵ در اطلاعات آموزشی دانشگاه نوشته شده است. لکن پس از مدتی که از اعتصاب اعضاء هیئت علمی گذشت از پروفیسور مهران خبری نبود. مطالبی که از ایشان در خاطر هست:

یکی از آنها نامه‌ای بود که دانشجویان ۱۰ مورد مشکلات خود را خیلی صمیمانه از شماره ۱- نامناسب بودن وضع ناهارخوری ۲- مدیریت نامناسب ناهارخوری ۳- تا شماره ۱۰ که به تغییر رژیم مملکت خاتمه یافته بود به اطلاع ایشان رسانیده بودند و موضوع آویزان کردن یکی از نگهبانان دانشگاه از طبقه سوم ساختمان مجتهدی و در آخر اعتصاب اعضاء هیئت علمی منجر به کسالت و ناپدید شدن ایشان گردید و گفته شد که از اوایل تابستان ۵۷ به خارج عزیمت نموده بودند. بعداً در جایی خواندم که در شورای امنیت ملی آنزمان نسبت به آقای پروفیسور مهران بنا بر مسئولیت‌هایی که در دفاع از دانشگاه پذیرفته بودند اظهار نگرانی شده بوده است. بهر حال ایشان وارث گرفتاری موضوع انتقال دانشگاه به اصفهان و اعتصاب اعضاء هیئت علمی گردیدند.

۵۷/۶/۱۶ - جناب آقای دکتر حسینی انواری (مرحوم) استاد قدیمی دانشکده برق و معاون آموزشی دانشگاه با رأی اعضای شورای دانشگاه به ریاست دانشگاه منصوب میشود (عنوان نیابت تولیت /عظمی هم از بین می‌رود).

۵۷/۶/۱۸ - در جلسه شورای دانشگاه به ریاست دکتر انواری در مورد نحوه پذیرش دانشجو بحث و قرار می شود از بین ۲۰ هزار نفری که در کنکور سراسری قبول شده اند داوطلبان متقاضی ورود به دانشگاه صنعتی شریف، پذیرفته شوند. در این جلسه اعلام می شود که ۴ ماه حقوق معوقه پرداخت خواهد شد.

۵۷/۶/۲۲ - ضمن تشکیل شورای دانشگاه آقای دکتر موسی خالصی زاده یکی از استادان دانشگاه صنعتی لیست کامپیوتری قبولیهای دانشگاه را با خود به دانشگاه آورده و پس از بررسی اوضاع داوطلبان در دانشکده مکانیک که دو روز از ۸ صبح تا ۵ بعدازظهر طول کشید و عده زیادی با حضور ریاست دانشگاه در این مورد کمک کردند تا اسامی قبول شدگان دانشگاه صنعتی معلوم شود. آقای دکتر ابراهیم اسماعیل زاده استاد دانشکده مکانیک سرپرستی این بررسیها را به عهده داشت. البته در جریان موفقیت‌های دانشگاه همگان حضور داشته ولی اعضاء کمیته رفاه در ادوار مختلف در این نوع موارد فعالیت بیشتری داشتند.

۵۷/۶/۲۵ - اسامی ۷۰۷ نفر قبولی های دانشگاه در روزنامه های صبح و عصر اعلام میشود.

۵۷/۷/۱ - بالاخره سال تحصیلی جدید با حضور ۳ هزار دانشجو در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد (در بعضی رشته‌ها) و با حضور ۲۷۰ نفر اعضاء هیئت علمی آغاز بکار نمود. (که به علت اوضاع مملکت خیلی زود همه دانشگاه ها تعطیل و پس از پیروزی انقلاب در ترم دوم همین سال مشغول بکار گردیدند). بدین ترتیب اعضاء هیئت علمی دانشگاه صنعتی موفق شدند دانشگاه خود را که ۱۳ سال از تاسیس آن گذشته بود

در تهران نگه دارند علاوه بر آن که دانشگاه معتبر دیگری هم به نام دانشگاه صنعتی اصفهان (که از همکاریهای لازم با دانشگاه صنعتی در تهران برخوردار بود) در شهر اصفهان تاسیس گردد.

دانشگاه صنعتی شریف از لحاظ آموزشی و تحقیقاتی چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب به راستی یک دانشگاه بسیار خوب و قابل اعتماد، مخصوصاً برای دانشجویان و دانش آموزان بوده و می باشد. تحقیقات این دانشگاه قبل از انقلاب به قولی حدود ۶۷ درصد کل تحقیقات دانشگاه ها در کشور بوده است و اکثر قریب به اتفاق فارغ التحصیلان آن از هر لحاظ باعث افتخار می باشند. امیدوارم همان طور که تا به حال این دانشگاه موفق بوده با عنایت خداوند متعال و توجه مسئولین محترم دانشگاه، دستداران و فارغ التحصیلان این دانشگاه روز به روز توفیقات بیشتری از هر نظر (علمی، تحقیقاتی و رفاهی) کسب نماید که شایسته آن نیز می باشد.

بجاست که از مدیران دروس و معاونین آموزشی آنزمان دانشگاه آقایان مهندس همایون ثقفی (بعداً دکتر)، مهندس حشمت اله نیایش و آقایان دکترها: فرهاد ریاحی، عباس چمران (مرحوم) و فریدون هژبری و معاونین اداری و مالی دانشگاه آقایان مهندس علی اصغر لواسانی، دکتر محمد رضا صفائی و دکتر احمد فیروزآبادی و همچنین معاونین پژوهشی و تحقیقاتی چون آقای دکتر بیژن اعلامی و همه بزرگواران دیگری که در ستمهای آموزشی و اداری برای ایجاد، شکل و تدویم بخشیدن به پیشرفت دانشگاه در ستمهای خود زحمت کشیدند تشکر و قدردانی شود.

در آخر به اطلاع عزیزان شرکت کننده در مجمع دوستی و مودت می رساند خوشبختانه دانشگاه صنعتی شریف پس از عبور از جریانات زیاد در حال حاضر با حدود ۴۵۰۰ هزار نفر دانشجو در مقطع کارشناسی، ۱۶۰۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۴۵۰ نفر دانشجوی دکترا و همچنین ۳۵۴ نفر عضو هیئت علمی (۴ نفر مربی آموزشیار، ۵۲ نفر مربی، ۱۵۸ نفر استادیار، ۸۴ نفر دانشیار و ۵۶ نفر استاد) به کار خود مشغول می باشد. انشاءاله ضمن شرکت در اجتماعات خود، بیاد مرکز اصلی یعنی دانشگاه همه ما بوده و همگی به فکر هم و یاد هم و مملکت عزیزمان باشیم.

برگ سبزی بود از یک کتاب تاریخ دانشگاه. با امید آنکه هر گونه اشتباه یا قصوری را در مطالب فوق خواهند بخشید، مقاله خود را که با اشعاری از حافظ شروع نمودم با اشعاری هم از حافظ به پایان می رسانم.

بعد از این روی من و آینه حسن نگار	که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند
کیمیایی است عجب بندگی پیر مغان	خاک او گشتم و چندین درجاتم دادند

سوابق آموزشی و اداری اینجانب نویسنده مقاله به شرح زیر می باشد :

- ۱- متولد در شهر کرمانشاه ۱۳۱۹- دیپلم ریاضی خرداد ۱۳۳۹
- ۲- دارای درجه تحصیلی فوق لیسانس طراحی مهندسی از هنرسرایعالی تهران خرداد ۱۳۴۴
- ۳- تاریخ استخدام در دانشگاه صنعتی ۱۳۴۵/۵/۱۰ با عنوان معلم گروه آموزشی رسم فنی و پس از طی مراحل از تاریخ ۱۳۵۸/۷/۱ استادیار پایه ۱ و در حال حاضر استادیار پایه ۲۲ مرکز گرافیک مهندسی دانشگاه
- ۴- دانشجوی سابق فوق لیسانس گرافیک در انستیتو تکنولوژی ایلینویز (I.I.T) شیکاگو سپتامبر ۱۹۷۰ (که پس از مدتی مجبور به مراجعت ایران گردیدم).
- در نوامبر ۱۹۷۸ از طرف آقای پروفور Merle E.strong استاد دانشکده مدیریت دانشگاه WISCONSIN-MADISON امریکا برای ادامه تحصیل اینجانب در دوره دکترای مدیریت پذیرش فرستاده شد که متأسفانه به علت مسائل مملکت در آن زمان موفق به انجام آن نشدم .
- ۵- مدیر امور اداری دانشگاه از فروردین ۵۹ تا دی ماه ۶۱
- ۶- سرپرست و رئیس مرکز گرافیک مهندسی از آذر ۶۰ تا فروردین ۷۱
- ۷- معاون اداری و مالی دانشگاه از آبان ۶۲ تا اول مهرماه ۶۳ /
- ۸- عضو و رئیس کمیته رفاه دانشگاه به اتفاق نمایندگان دانشکده ها و مراکز از ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ .

مراجع مقاله :

۱- دفتر خاطرات و حافظه شخصی

۲- سالنامه های دانشگاه

آدرس اینجانب : ایران - تهران - دانشگاه صنعتی شریف - مرکز گرافیک مهندسی - شماره تلفن ۶۰۲۹۱۷۴ و یا

moinzadeh@sharif.edu

خداحافظ به امید دیدار

مسعود معین زاده

۸۱/۵/۱۳

۲۰۰۲/۴ آگوست

ضمیمه

۱- شرکت تعاونی مسکن دانشگاه در اواخر تابستان ۱۳۵۱ اطلاعیه‌ای در مورد تامین مسکن کارکنان دانشگاه منتشر نمود و در آن تصویب وام مسکن را به مقدار ۳۰ برابر حقوق و حداکثر ۱۵۰ هزار تومان و با سود ۸/۵٪ و مدت بازپرداخت ده سال، از طرف بانک رهنی آن زمان (بانک مسکن کنونی) به اطلاع کارکنان دانشگاه رسانید. و در تاریخ ۱۳۵۴/۴/۲۱ آیین نامه جدید وام مسکن دانشگاه جهت خرید، ساخت و تعمیر واحد مسکونی با امضای ریاست دانشگاه آقای دکتر نصر منتشر شد. مبلغ وام ۷۰ برابر (بعداً ۸۰ برابر) حقوق و مزایای ثابت و حداکثر چهار میلیون ریال و با سود ۱۱٪ (تا یک میلیون ریال ۳٪ و بقیه ۴٪ سود را کارکنان دانشگاه پرداخت نموده و بقیه را دانشگاه پرداخت می‌کرد). مدت بازپرداخت ۲۰ سال تعیین گردیده بود، طرف قرارداد بانک عمران آن زمان (بانک ملی کنونی). ضمناً از محل صندوق پس انداز کارکنان که برای زمان بازنشستگی از تاریخ ۱۳۴۸/۱/۱ تشکیل گردیده بود و هر ماه ۷٪ از حقوق کارکنان کسر و ۱۵٪ هم دانشگاه به آن اضافه می‌نمود، کارکنان می‌توانستند برای منظور فوق و احتیاجات دیگر وام دریافت دارند. برای مدت چند سال عده قابل توجهی از کارکنان از این وام‌ها استفاده و صاحب منزل گردیدند.

۲- تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از دانشجویان شهریه تحصیلی دریافت می‌گردید (به صورت نقدی و یا وام دانشجویی).

مصاحبه روزنامه دانشگاه صنعتی شریف با آقای مهندس معین زاده عضو هیات علمی مرکز
گرافیک مهندسی، اسفندماه ۱۳۸۲

گذری بر تاریخ معاصر دانشگاه

مهندس مسعود معین زاده مدرس مرکز گرافیک مهندسی، یکی از با سابقه ترین افراد در خدمت به دانشگاه صنعتی شریف است. تقریباً از شروع دانشگاه در این جا مشغول بوده و هنوز هم به کار خود ادامه می دهد. مقاله ی «گذری بر تاریخ معاصر دانشگاه، از آذر ۱۳۴۴ تا مهر ۱۳۵۷» به قلم مهندس معین زاده یک سند مهم و معتبر در مورد تاریخچه ی دانشگاه به شمار می رود. همه ی اینها بهانه ای شد تا برای گزارش این شماره پای صحبتهای او بنشینیم. حرفهایی از روزهای دور صنعتی شریف ...

اول مختصری از زندگی و سوابق تحصیلی خودتان و شروع کار در دانشگاه صنعتی شریف بفرمایید.

• اینجانب متولد ۱۳۱۹ در شهر کرمانشاه می باشم و دیپلم خود را در رشته ریاضی در همین شهر دریافت داشتم. در شهریور ۱۳۴۰ در کنکور هنر برای عالی و فیزیک دانشکده علوم دانشگاه تهران قبول شدم و با وجود علاقه زیاد به فیزیک، هنر برای عالی را که یک دانشکده صنعتی - علمی بود انتخاب کردم. دانشکده ما هشت رشته تحصیلی داشت. در سال دوم رشته طراحی مهندسی را با توجه به نمره ای که در دروس این رشته گرفته بودم برای من انتخاب کردند. بعد از فارغ التحصیلی، در اردیبهشت ماه ۱۳۴۵، آگهی استخدام دانشگاه صنعتی شریف (در آن زمان آریامهر) را در روزنامه خواندم و به فکر استخدام در این دانشگاه افتادم. اوائل تیرماه ۴۵ مدارک درخواست استخدام خود را به معاون دانشگاه دکتر هوشنگ منتصری که در دانشکده استاد ریاضی ما بودند تحویل دادم. بعد از موافقت با این درخواست، از تاریخ ۱۳۴۵/۵/۱۰ کار خود را با عنوان معلم گروه آموزشی رسم فنی با امضای روانشاد مرحوم دکتر محمد علی مجتهدی ریاست دانشگاه (که در آن زمان نیابت تولیت عظمی نامیده می شدند) و با همکاران دیگر مهندس علی امیر فضلی (دکتر امیر فضلی فعلی) و مهندس محمد باقر رجالی زاده (دکتر رجال) و با سرپرستی جناب آقای مهندس نیایش شروع کردم.

در سال ۱۳۴۸ هم تعهد خود را به وزارت آموزش و پرورش با پرداخت ۱۹ هزار تومان در ۶۰ قسط لغو نمودم. (مرحوم دکتر امین ریاست دانشگاه و مهندس نیایش در این مورد خیلی کمک کردند) استخدام سایر اعضای هیات علمی و شروع کارشان در دانشگاه چگونه بود؟

• مرحوم دکتر مجتهدی از اواخر اسفند ماه ۱۳۴۴ تا اوائل خرداد ماه ۱۳۴۵ به کشورهای اروپایی و همچنین آمریکا مسافرت نموده و از فارغ التحصیلان ممتاز ایران دانشگاه های خارج از کشور برای استخدام در دانشگاه دعوت کردند. ۳۶ نفر از این فارغ التحصیلان به همراه ۱۸ نفر از فارغ التحصیلان ممتاز و جوان دانشکده های مهندسی ایران : دانشکده فنی دانشگاه تهران، دانشکده پلی تکنیک و هنرهای عالی و چند نفر دیگر، این دعوت را پذیرفتند. به این ترتیب، با جمعاً ۶۱ نفر فعالیت دانشگاه در پنج گروه ریاضی، فیزیک، شیمی، رسم فنی و کارگاه ها در تاریخ شنبه ۴۵/۷/۲ با ۴۱۴ نفر دانشجو که از طریق کنکور مربوط به این دانشگاه انتخاب شده بودند، شروع گردید از این ۶۱ نفر دکتر علی اکبر سیف کردی (دانشکده مهندسی شیمی)، اینجانب (مرکز گرافیک مهندسی)، دکتر فریدون معطر (دانشکده شیمی)، دکتر علی امیر فضلی (دانشکده مکانیک)، دکتر منوچهر راد (دانشکده مکانیک) و دکتر سید جلال الدین شایگان (دانشکده مهندس شیمی)، باقی مانده و مشغول خدمت می باشند. ۱۰ نفر دارای درجه دکتری و بقیه بیشتر فوق لیسانس مهندسی، فوق لیسانس و چند نفر هم لیسانس و غیره بودند. دکتر عباس انواری (فیزیک) و دکتر کاظم پور آذرنگ (متالورژی) هم، استخدامی در بهمن و اسفند ۴۵ می باشند. قابل ذکر است که بسیاری از اعضای بعد ادامه تحصیل داده و دکترای خود را دریافت داشتند.

روسای دانشگاه قبل از انقلاب چه کسانی بودند ؟

• روسای دانشگاه قبل از انقلاب عبارتند از مرحوم دکتر مجتهدی، پروفیسور رضا، مرحوم دکتر امین، دکتر نصر، دکتر ضرغامی، پروفیسور مهران و مدت کمی هم مرحوم دکتر حسینعلی انواری که همگی برای پیشبرد دانشگاه زحمت کشیدند و از لحاظ آموزشی و تحقیقاتی موفق بودند. لکن از لحاظ تامین رفاه کارکنان دانشگاه مخصوصاً تامین مسکن با مشکلاتی مواجه گردیدند که یک دلیل آن هم مسئله ی انتقال دانشگاه به اصفهان بود که در زمان دکتر ضرغامی و پروفیسور مهران خیلی جدی

شده بود البته سهم مرحوم دکتر مجتهدی به دلیل این که موسس دانشگاه بود و نظم و انضباط خاصی را در دانشگاه پیاده کرد و مرحوم دکتر امین که آئین نامه های آموزشی و اداری را تدوین و کمیته های رسیدگی به این موارد را تشکیل داد، از دیگران بیشتر است.

وضع دانشگاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

• پس از ابقاء دانشگاه در تهران (شهریور ۱۳۵۷) برای اولین بار مرحوم دکتر حسینعلی انواری، از اعضاء قدیمی دانشکده ی برق و معاون آموزشی دانشگاه با رای اعضاء شورای دانشگاه به سمت رئیس دانشگاه منصوب و ۷۰۰ نفر دانشجو هم پذیرفته شدند. لیکن این دانشگاه و سایر مؤسسات آموزشی دیگر، مدت کمی فعال بوده و از تاریخ ۵۷/۸/۱۵ به علت جریانات انقلاب و همچنین درگیری با رژیم گذشته تعطیل شدند و پس از پیروزی انقلاب در نیمه دوم سال تحصیلی ۵۷-۵۸ فعالیت های خود را از سر گرفتند. در این زمان اداره ی دانشگاه به شورای هماهنگی که متشکل از ۲۷ نفر اعضاء هیات علمی، ۱۵ دانش جو و ۱۲ نفر از کارکنان اداری بود، واگذار شد. بنده هم یکی از اعضاء این شورا بودم. شورای آموزش دانشگاه هم جداگانه به کار خود ادامه می داد. فعالیت شورای هماهنگی در کتابچه ای به نام « کارنامه شورای هماهنگی دانشگاه صنعتی شریف » در شهریور ماه ۱۳۵۹ به همت دکتر علّی محمد رنجبر، رئیس وقت دانشگاه منتشر گردید.

نحوه ی انتخاب دکتر رنجبر به سمت ریاست دانشگاه چطور بود؟

• کمیته ای از طرف شورای هماهنگی برای تعیین ریاست دانشگاه انتخاب شد. اعضاء این کمیته عبارت بودند از مرحوم شهید دکتر حسن عباسپور، دکتر عباس علی مددیان و بنده. اصرار این کمیته برای ادامه ی کار دکتر حسینعلی انواری، از طرف خود ایشان بی نتیجه ماند و در تاریخ ۵۸/۵/۷ از این سمت استعفا دادند. به دنبال آن، آقای دکتر رنجبر با رای اعضاء این شورا (از ۴۰ نفر اعضاء حاضر در جلسه، ۳۴ رای موافق و ۶ رای ممتنع بود) به سمت ریاست دانشگاه منصوب گردیدند.

فعالیت های دیگر شورای هماهنگی چه بود؟

• تغییر نام دانشگاه صنعتی آریامهر به دانشگاه صنعتی شریف با همه پرسی از کلیه اعضاء دانشگاه در آبان ماه ۱۳۵۸ انجام گرفت. از ۴۳۲۰ نفر کل افراد دانشگاه با احتساب دانش جویان ۲۹۰۰ نفر در

رای گیری شرکت کردند. ۱۷۳۷ نفر به دانشگاه صنعتی شریف و ۱۱۱۶ نفر به دانشگاه صنعتی تهران رای دادند و بقیه آراء ممتنع بود. همچنین از فعالیت های دیگر، تعیین کمیته های مختلف برای رسیدگی به امور انقلابی و اداری دانشگاه بود. فعالیت این شورا تا شروع انقلاب فرهنگی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ ادامه داشت و سپس متوقف گردید. تعداد جلسات تشکیل شده این شورا سی جلسه و ۵ جلسه فوق العاده بود. از نکات جالب این دوره مسابقه ی اعضای هیات علمی برای عدم دریافت حق مقام و مسئولیت ها بود که بالاخره موافقت شد ۴۰٪ این پول ها در محلی به نام صندوق رفاه کارکنان دانشگاه برای مخارج رفاهی کارکنان جمع شود.

دولتی شدن دانشگاه چه مشکلاتی را به همراه داشت ؟

- قبول مسئولیت در آن زمان، یعنی ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که همه گروه ها و افراد به برکت این پیروزی احساس آزادی می کردند، شجاعت خاص خود را می طلبید. به همین دلیل، دکتر رنجبر با مشکلات خاصی که مربوط به آن دوره بود، مواجه شد. اما به هر حال ایشان توانست این دوره را با همه ی گرفتاری های آن پشت سر بگذارد. یکی از مشکلات زمان ریاست دکتر رنجبر، دولتی شدن دانشگاه بود. زیرا بنا به مصوبه ای در شورای انقلاب، کلیه ی دانشگاه ها می بایست از تاریخ ۵۸/۶/۱، از آئین نامه های دانشگاه تهران که دولتی بود تبعیت می کردند. قبول اجرای این موضوع در ابتدا با مقاومت دانشگاه مواجه شد. لکن پس از مدتی مورد قبول واقع و احکام استخدامی کلیه ی کارکنان مشمول مقررات استخدامی دانشگاه تهران گردید. در زمان ایشان شورای ممیزی منتخب دانشکده ها و مراکز و کمیته ممیزی منتخب این شورا تشکیل شد و احکام اعضای هیات علمی مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت مقام و پایه ی آنها از مربی تا استاد بر مبنای مقررات دانشگاه تهران تعیین و ابلاغ گردید.

فعالیت های شورای انقلاب فرهنگی و شورای جهاد دانشگاهی چگونه بود ؟

- پس از انقلاب گروه های سیاسی مختلفی اعم از کومله، دموکرات، مجاهدین، انجمن اسلامی و غیره که اعضای آن از دانشجویان فعال بوده و بعضاً از طرف بعضی استادان نیز حمایت می شدند در دانشگاه شکل گرفت و دفاتری را برای خود در اختیار گرفتند. در شورای هماهنگی نمایندگان از این

گروه‌ها شرکت داشتند. تداخل تصمیمات این شورا با شورای آموزشی دانشگاه مشکلات بسیار حادی را ایجاد کرده و عملاً به درگیری فیزیکی نیز منجر شده بود. این موضوع باعث شد تا طبق تصمیم شورای انقلاب فرهنگی کلیه دانشگاهها به مدت ۲ سال به حالت تعطیل درآید و در این مدت اداره‌ی امور آن‌ها به شورایی به نام شورای جهاد دانشگاهی متشکل از سه نماینده از اعضای هیات علمی، دانش‌جوها و کارکنان اداری واگذار شود. بنظر می‌رسد هدف از تعطیلی دانشگاهها اولاً معلق ساختن و تعطیل کردن شرایطی بود که به علت بازنگری مفاد دروس و کیفیت آموزشی دانشگاهها به وجود آمده بود. ضمناً قرار شده بود که از استادان دانشگاه‌ها در مدت تعطیلی، برای همکاری در گروه‌های برنامه‌ریزی درسی که در وزارت علوم مستقر بود و یا همکاری در ترجمه و تدوین (به منظور ایجاد ارتباط بیشتر بین دانشگاه و صنعت) استفاده شود. عضو آموزشی شورای جهاد، دکتر عباس انواری از استادان قدیمی دانشکده فیزیک بود که پس از استعفای آقای دکتر رنجبر در تاریخ ۵۹/۷/۹، ریاست دانشگاه را هم به عهده داشت. برنامه‌ای که از طرف ریاست دانشگاه اعلام شد، جلب مشارکت همکاران آموزشی و حمایت از فعالیت‌هایی بود که از طرف دانش‌جویان علاقمند به مسایل پژوهشی در جهت همکاری با صنایع و امور فنی تحت نام «شاخه دانشجویان جهاد» انجام می‌گرفت.

این دوره یکی از سخت‌ترین دوران تاریخ دانشگاه ما بود. از طرفی با شور انقلابی دانشجویان و کارمندان و حمایت تعدادی زیادی از استادان همراه بود و از طرف دیگر مقاومت تعدادی از استادان را با خود داشت که اصولاً با تعطیلی دانشگاه و مأموریت آنان به مراکز تعیین شده خارج از دانشگاه مخالف بودند و این کارها را به قصد دور کردن استادان از محیط دانشگاه می‌دانستند. به این وضعیت باید شتاب زدگی و بی‌تجربگی شاخه دانشجویی جهاد را هم اضافه کرد که برای در اختیار گرفتن بعضی امکانات دانشگاه بعضاً با مسئولین دانشکده‌ها درگیر می‌شدند. آنچه بیش از هر چیز موجب سختی کار می‌شد و اینجانب نیز که در آن زمان مدیریت امور اداری دانشگاه را به عهده داشتم، از نزدیک شاهد بودم، وجود سلیقه‌های متفاوت انقلابی و افراط و تفریط‌هایی در سطوح مختلف بود. عده‌ای استفاده از منشی و ماشین نویس‌های خانم را غیر شرعی می‌پنداشتند. عده‌ای هم معتقد بودند که باید پرده‌ای در هر کلاس بین دانش‌جویان دختر و پسر نصب شود. کما این که در بعضی

دانشگاه ها این کار انجام شده بود. عده ای نیز معتقد به جداسازی کلاس های پسران و دختران بودند. همچنین عده ای برخورد شدید با دانش جویان بد حجاب را می خواستند.

در این میان ریاست دانشگاه سعی می کرد تا آنجا که در توان داشت، در جلب مشارکت همکاران برای رعایت مفادی که به عنوان قانون از طرف شورای انقلاب به دانشگاه ها ابلاغ شده بود، توفیق یابد. تلاش در جلوگیری از شدت عمل و کنترل تندروها از جمله ی این موارد است. در این میان تعدادی از استادان با این برنامه ی دانشگاهها موافق نبودند و به خود حق می دادند که مانند گذشته، اداره ی دانشگاه به وسیله شورای منتخب دانشکده ها انجام شود و بالاخره از خدمت در دانشگاه معاف شدند. اینجانب که از قدیم با بسیاری از این همکاران آشنا بودم و مخصوصاً در زمان اعتصاب ۴ ماهه قبل از انقلاب با ایشان مشارکت داشتم، از رخ دادن چنین اتفاقی و همچنین محیط نه چندان گرمی که به علت عدم حضور دانش جویان در دانشگاه ایجاد شده بود، خوشحال نبودم به سهم خود آوزو داشتم شرایطی ایجاد شود که سلیقه های مختلف با هم کنار بیایند. شرایط انقلابی آن روزها، اگر چه شاید امروز قابل لمس نباشد و بعضاً مورد انتقاد نیز قرار گیرد، لکن باید توجه داشت که از آن زمان مشکلات فراوانی وجود داشت که از اوضاع و احوال سیاسی کشور نشأت می گرفت. مشکلات جنگ و کسری بودجه دانشگاه ها از طرفی و افراط و تفریط و دژگیری هائی که ظاهراً جنبه ی اداری و کاری ولی در واقع و جنبه ی سیاسی داشت و هر روز در گوشه ای رخ می داد از طرف دیگر. این در حالی بود که عده ی قابل توجهی از دانش جویان این دانشگاه هم در جبهه های جنگ شهید شده و هر روز خبری در این زمینه به دانشگاه می رسید. تعدادی از همکاران اداری هم به اسارت گرفته شده بودند. دکتر شهید حسن عباسپور نیز در توطئه ی دیگری به شهادت رسید (۱۳۶۰/۴/۷).

با این احوال دانشگاه در تلاش بود تا اوضاع را بصورت مسالمت آمیزی با کمترین خسارت نسبت به سایر دانشگاهها سازمان بخشد و کشتی دانشگاه را از میان امواج طوفانی به سلامت به ساحل برساند و به حق درایت و صبر ریاست وقت دانشگاه و مسئولین دیگر آن زمان و پس از آن تا به امروز بوده است که دانشگاه توانسته پس از همه آن تلاطم ها سربلند و پیروز در جهت تعالی آموزش کشور گام بردارد. حاصل تلاش کلیه مسئولین و همکاران آموزشی، اداری و دانش جویی در مدت زمان سالهای ۶۱-۵۹ در کتابی بنام «کارنامه دو سال فعالیت های دانشگاه» به همت آقای دکتر انواری به چاپ رسیده است.

اینجانب در این مدت علاوه بر داشتن سمت مدیر امور اداری مسئول تهیه برنامه های دروس نقشه کشی صنعتی دانشگاهها به اتفاق چند نفر از همکاران مرکز گرافیک مهندسی و دانشگاههای دیگر از طرف ستاد انقلاب فرهنگی بودم. به هر حال به دستور حضرت امام خمینی (ره) دانشگاهها در نیمه دوم سال تحصیلی ۶۱-۶۲ رسماً فعالیت آموزشی خود را با ورود دانش جویان قدیمی شروع کردند و البته در نیمه دوم سال تحصیلی ۶۰-۶۱ هم کلاسهای به نام طرح ۲۵ واحدی تشکیل شده بود.

در نیمه دوم سال تحصیلی ۶۲-۶۳ دانش جویان قبولی اولین کنکور سراسری پس از تعطیل ۲ ساله وارد دانشگاه گردیدند. لازم به ذکر است که آقای دکتر علی اکبر صالحی از اعضای هیات علمی دانشکده مکانیک و معاون پژوهشی دانشگاه از تاریخ ۶۱/۹/۲۵ پس از استعفای آقای دکتر انواری رئیس دانشگاه شد و با شروع تدریجی فعالیت های آموزشی و تشکیل شورای دانشگاه در جو دانشگاه هم تغییراتی ایجاد گردید که بنظر اینجانب یک مقدار بعلت داشتن صورت مهربان و رفتار صمیمانه ای وجود که ایشان داشته و دارند. از جمله این که خودشان به مرکز گرافیک آمده و از اینجانب برای پذیرش سمت معاون اداری و مالی دانشگاه دعوت کردند.

قبل از پیروزی انقلاب عده اعضا هیات علمی دانشگاه چند نفر و مراتب علمی آنها چگونه بود؟

- عده اعضا هیات علمی مطابق با کتابی که با عنوان راهنما و آئین نامه های آموزشی دانشگاه صنعتی شریف که آقای دکتر رنجبر در زمان ریاست خود در ۱۳۵۹ منتشر نمودند ۲۷۱ نفر بودند بدین ترتیب : ۷ نفر استاد: دکتر بهمن مهری (ریاضی)، دکتر احمد دادگر شیمی، دکتر برزو مدارانی و دکتر فریدون هژبری (شیمی)، دکتر جعفر ارکانی حامد (فیزیک)، دکتر محمود نحوی (برق) و دکتر بیژن اعلامی (سازه، عمران فعلی) - ۲۷ نفر دانشیار ۱۲۶ نفر استادیار، ۵۱ نفر مربی و ۶۰ نفر دستیار بودند که در شهریور ماه ۱۳۵۹ مطابق آئین نامه استخدامی دانشگاه تهران این مراتب تغییر کرد. البته اولین نفری که به درجه استادی رسید آقای دکتر مهدی بهزاد (ریاضی)، بود که قبلاً به دانشگاه دیگری منتقل گردیده بودند.

آمار اعضا هیات علمی در حال حاضر چقدر است؟

- آمار اعضا هیات علمی دانشگاه تا آخر اسفند ۱۳۸۱ در کتاب آئین نامه ی آموزشی دانشگاه منتشر شده به وسیله معاونت آموزشی عبارت است از : ۳ نفر مربی آموزشیار، ۵۴ نفر مربی ، ۱۶۵ نفر

استادیار، ۸۴ نفر دانشیار، و ۶۵ نفر استاد که جمعا ۳۷۱ نفر می باشند. آقایان دکتر حصارکی (ریاضی) دکتر سلطانیه (مهندسی شیمی)، دکتر کوکی (متالورژی) و دکتر مشایخی (مدیریت) از دانش جویان دوره اول و دکتر آشوری (متالورژی)، دکتر ارفعی (فیزیک)، دکتر وساقی (فیزیک)، دکتر ظهوری زنگنه (ریاضی)، دکتر هدایتی دزفولی (فیزیک) و دکتر معصومی همدانی (گروه فلسفه و علم) از دانش جویان دوره دوم دانشگاه می باشند.

روسای دانشگاه پس از پیروزی انقلاب چه کسانی بودند؟

• آقایان مرحوم ^{رئیس} حسینعلی انواری (برق ۵۸-۱۳۵۷)، دکتر علی محمد رنجبر (برق ۵۹-۵۸) دکتر عباس انواری (فیزیک ۶۱-۵۹) دکتر علی اکبر صالحی (مکانیک ۶۴-۶۱)، مجددا دکتر عباس انواری (۶۴-۶۸)، مجدداً دکتر علی اکبر صالحی (۷۲-۶۸). دکتر سید محمد اعتمادی (برق ۷۴-۷۲) دکتر سید خطیب الاسلام صدر نژاد (متالورژی ۷۶-۷۴) و دکتر سعید سهراب پور (مکانیک ۷۶ تا الان) ریاست دانشگاه را بعهدہ داشته و تا آنجا که در توان ایشان بوده برای پیشبرد دانشگاه در شرایط متفاوت از لحاظ سیاسی، مالی و اداری کوشش کرده اند و با توجه به این که اکثراً در دانشگاه حضور دارند بهتر است با خود ایشان مصاحبه گردد بنظر اینجانب بسیار خوبست که کارنامه زمان ریاست خود را از طریق نوشتن کتاب، مقاله و یا همین مصاحبه ها ارائه دهند تا درس و تجربه ای برای آیندگان باشد.

از سمت های آموزشی و اداری خود شما چه بوده است؟

• سمت های آموزشی که داشته ام: ۱- معلم (۴۷-۱۳۴۵) ۲- دستیار (۵۲-۴۸) ۳- مربی (۵۸-۵۲) و استادیار پایه ۱ (۱۳۵۸) و پایه ۲۴ تا به حال. سمتهای اداری هم:

سرپرست و رئیس مرکز گرافیک مهندسی (۷۰-۱۳۶۰)، دبیر شورای دانشگاه (۶۳-۶۱)، مدیر امور اداری دانشگاه (۶۱-۵۹)، معاون اداری مالی دانشگاه (۶۳-۶۲) در زمان دکتر صالحی و سمت های دیگر مانند رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی مصرف کارکنان (۷۰-۶۳) دبیر کمیته های وام مسکن، ضروری و رفاه. در زمان معاونت اداری و مالی، سازمان دانشگاه از غیر دولتی به دولتی تبدیل و پست های سازمانی دانشگاه برای همکاران اداری با همکاری آقای مهندس بیاتی (مدیر دفتر طرح و برنامه و بودجه و معاون فعلی دانشگاه در این قسمت) و کارگزینی دانشگاه و کارشناسان وزارت علوم تعیین شد.

در دوران دفاع مقدس اوضاع دانشگاه چطور بود ؟

• به محض شروع جنگ تحمیلی (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) علیه کشور جمهوری اسلامی ایران، کمیته هائی از هیات علمی و دانش جویان و کارکنان دانشگاه برای کمک به پیشبرد دفاع از هر لحاظ اعلام موجودیت کردند و در طول زمان دفاع مقدس عده قابل توجهی از دانش جویان و چند نفر از همکاران اداری شهید ، جانباز و یا اسیر گردیدند. خاطرم هست دانش جوی عزیزی که روحش شاد باد به نام محمد تقی اخوان پس از انجام امتحانات نیمه اول سال تحصیلی ۶۵-۶۶ تقاضای رسیدگی به نمره اش را کرد. رسیدگی کردم و نمره ای هم اضافه گردید. مدتی بعد عکس آن عزیز را جزء شهدای دانشگاه دیدم که به طور داوطلب عازم جبهه های جنگ گردیده بود یاد و خاطره این عزیزان همواره فراموش نشدنی و افتخار آمیز خواهد بود. در یک مسافرت اعزامی که با عده ای از اعضاء هیات علمی و دانش جویان و کارکنان اداری از ۶۲/۵/۱۲ تا ۶۲/۵/۲۱ به مناطق جنگی جنوب کشور (شهرهای اهواز، بستان، منطقه دهلاویه، هویزه، خرمشهر، آبادان، دزفول، اندیمشک و خرم آباد) کردیم در یکی از سنگرها گروه مورد حمله خمپاره ای دشمن قرار گرفت. در مسافرت بعدی (مرداد ۱۳۶۳) در جلسه روسای دانشگاه ها که در شهر کرمانشاه که با حضور وزیر وقت علوم جناب آقای دکتر نجفی تشکیل شده بود شرکت کردم (به نیابت از دکتر صالحی) یکی از برنامه های آن دیدار از مناطق جنگی بود که از شهرهای سر پل ذهاب ، کرند، اسلام آباد و قصر شیرین دیدن کردیم. در این مسافرت ها عمق فجایع حزب بعث عراق را مشاهده کردیم. خاطره اقامه نماز در مسجد جامع خرمشهر و مسجد المهدی (مهدیه) قصر شیرین که تنها ساختمانهای باقی مانده از این دو شهر بودند فراموش نشدنی است. دانشگاه شریف در تاریخ جمعه شب ۶۵/۱۱/۲۴ در محوطه دانشکده های مکانیک، شیمی و متالورژی بمباران گردید و موشک باران شهرهای ایران و تهران از ۶۶/۱۲/۱۰ تا اواخر فروردین ماه ۶۷ هم منجر به تعطیلی بسیاری از کلاسها و تشکیل بعضی کلاسها در طبقات پایین ساختمانهای دانشگاه و هتل استقلال تهران شد. این خاطرات همواره بیاد ماندنی است.

بجز دانشگاه صنعتی شریف در مراکز آموزشی دیگری هم تدریس می کنید؟

• بلی. مخصوصاً در دانشگاه صنعتی امیرکبیر که بصورت مدعو چند ساعتی در هفته از سال ۱۳۷۰ تا کنون مشغول به تدریس می باشم. همانطور که قبلاً هم گفتم دانشکده ای که در آنجا درس خواندم هنرسرای عالی است و این دانشکده پس از دوره اول آن از ۱۳۰۸ تا ۱۳۳۶ در محل فعلی دانشگاه صنعتی امیرکبیر تأسیس گردیده بود و پس از آن دانشکده صنعتی پلی تکنیک در سال ۱۳۳۷ از هنرسرای عالی منشعب شد و برای دانش جویانی که مایل به داشتن تعهد خدمت نبودند در همین محل تأسیس گردید. سپس هنرسرای عالی در سال ۱۳۴۲ به نارمک منتقل و اسامی مختلفی به آن داده شد. در شهریور ۱۳۵۷ هم زمان با تصویب ابقاء دانشگاه صنعتی آریا مهر (شریف) در تهران، هنرسرای عالی با نام دانشکده علم و صنعت و دانشکده صنعتی پلی تکنیک به دو دانشگاه علم و صنعت ایران و دانشگاه صنعتی امیرکبیر ارتقاء یافتند. مؤسس این دو مؤسسه و همچنین بسیاری از مؤسسات آموزشی صنعتی دیگر روانشاد مرحوم مهندس حبیب نفیسی بود که اعتقاد زیادی به تربیت مهندسين کاربردی داشت. بهمین علت به این دو دانشگاه خیلی علاقه دارم. ضمن آنکه قبولی در دانشکده فنی دانشگاه تهران هم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود. جالب توجه اینکه با رئیس محترم دانشگاه جناب آقای دکتر سهراب پور که در دانشکده فنی تحصیل می کرد هم دوره تحصیلی می باشیم. (۱۳۴۴-۱۳۴۰)

بهترین خاطرات زمان خدمت خود را چه می دانید؟

• بهترین خاطرات اینجانب دیدن دانش جویانی است که در ابتدای هر سال تحصیلی پس از عبور از کنکور سراسری وارد دانشگاه می شوند و همچنین دریافت دو لوح استاد ممتاز در سال ۱۳۷۲ و استاد نمونه مرکز گرافیک مهندسی در سال ۱۳۸۱ که با رای دانش جویان و البته تائید مقامات محترم دانشگاه انتخاب شده بودم و لوح تقدیر دبیر کل جامعه فارغ التحصیلان دانشگاه جناب آقای مهندس شافعی در سال ۱۳۷۶ می باشد.

چه شد که به تاریخ دانشگاه علاقه مند شدید و به فکر تهیه مقاله ی «گذری بر تاریخ معاصر دانشگاه» افتادید؟

• شخصاً به مطالعه تاریخ و مخصوصاً دانشگاهها و مهم تر از همه دانشگاه صنعتی شریف بسیار علاقه مند بوده و با توجه به یادداشت ها و حافظه شخصی و استفاده از سالنامه های دانشگاه و با تشویق

همسر و فرزندانم، این یادداشت ها را بصورت مدون در آوردم و اقدام به تهیه این مقاله نمودم که ابتدا در جمع عده ای از استادان دانشگاه بیان و سپس در نشریه شریف شماره خرداد و تیر ۱۳۷۷ چاپ گردید سپس در جمع استادان و فارغ التحصیلان دانشگاه با تغییرات و اصلاحاتی در شهر تورنتوی کانادا به تشویق و علاقمندی جناب آقای دکتر هژبری در شهریور ۱۳۸۱ و بعد در خبرنامه فارغ التحصیلان این دانشگاه در اردیبهشت ماه ۱۳۸۲ منتشر گردید و همچنین مقاله ای هم با عنوان سیاست و عرفان یک دانشمند در کتاب آثار علمی و ادبی جناب پروفیسور رضا نوشتم که با همت دوست عزیزم جناب آقای مهندس ورهرام فارغ التحصیل دانشکده برق شریف چاپ و منتشر گردید (۱۳۷۸ چاپخانه دانشگاه صنعتی شریف). تا آنجا توانستم علاقه خود را به تاریخ دانشگاه نشان داده و می دهم.

بعنوان آخرین مطلب چه توصیه ای برای دانش جویان دارید؟

• در امور علمی سعی کنند علم و کاربرد آنرا با هم یاد بگیرند و در امر ازدواج هم که در زمان مناسبی انجام می گیرد، عقل و احساس هر دو را در نظر داشته باشند که در نتیجه با داشتن یک زندگی مشترک بتوانند با خیالی راحت به فعالیت های علمی، اجتماعی در خدمت به کشور و مردم مملکت عزیزمان پردازند و در عین حال در حفظ احترام و علاقه و حق شناسی نسبت به خانواده خود و طرفین کوشا باشند. استادان، دوستان و همکلاسی ها و دانشگاه خود را فراموش نکنند و در ارتباط باشند. انشاء.. که روزنامه شریف، دانش جویان و همکاران این روزنامه در کار خود در زمینه انتشارات و نزدیک کردن استادان، دانش جویان و همکاران موفق باشند و اگر اشتباهی در کل مطالب فوق پیش آمده باشد و یا مطابق ذوق و سلیقه عزیزان نباشد، اینجانب را خواهند بخشید.